

حسابداری به عنوان زبان تجارت، برای این که بتواند اطمینان معقولی در مورد صحت اطلاعات بدهد نباید قصور و جرایمی داشته باشد، تا بدین طریق گزارش های ارایه شده به وسیله آن قابل اعتماد باشد. علاوه بر این حسابداری علمی است که به جستجوی رابطه علت و معلولی بین تصمیم گیری های فنی و تحریفات انجام شده در اقتصاد و پیامدهای اتفاق افتاده اقتصادی در بین شبکه های بانکی و واسطه های مالی می پردازد. بدیهی است که تحریفات زیاد و جرایم مالی، منجر به رسیدگی های بیش تر و حرکت کردن به سوی حسابداری جهانی می شود. اما سؤالی که اینجا مطرح می شود این است که آیا برای کشف تمام این جرایم مالی نیاز به دانش و روش های پیشرفته حسابداری است؟ پاسخ گویی به این سؤال ممکن به نظر نمی رسد. علاوه بر این رویکرد، حسابداری از یک طرف به عنوان یک مفهوم کلیدی برای توسعه پولشویی و بررسی روش های جرایم مالی و از طرف دیگر به عنوان ابزاری برای تعریف جرایم مالی و تحریفات و شناسایی آن ها به کار می رود (De Brie, 2000).

حسابداری به عنوان دانشی که وظیفه ثبت، طبقه بندی، تلخیص و گزارش گری اطلاعات مالی را بر عهده دارد، شناخته می شود. هدف از این مقاله توصیف نقش حسابداری در ۲ جرم مالی (پولشویی و کثیف کردن پول) است. این مقاله به جستجوی این موضوع می پردازد که آیا دانش حسابداری در هر دو نوع جرم مالی مورد استفاده قرار می گیرد یا خیر.

پولشویی و کثیف کردن پول چیست؟
نخستین بار فردی به نام آلکاپون گروهی به نام آلکاپون ها تشکیل داد. این گروه به زور از مردم اخاذی می کردند. آنان برای پنهان کردن شیوه عمل خود، رختشوی خانه ای تأسیس کرده و واگرد می کردند درآمد خویش را از این راه به دست می آورند و نه از راه نامشروع؛ و بدین ترتیب اصطلاح پولشویی شکل گرفت.

پولشویی یک فعالیت غیرقانونی است که در طی انجام آن، عواید و درآمدهای ناشی از اعمال خلاف قانون، مشروعیت می یابد. به عبارت دیگر پول های کثیف ناشی از

نقش حسابداری در جرایم مالی آری یا نه؟

چکیده

این مقاله به بررسی فرآیندهایی می پردازد که منجر به جرایم مالی به علت عدم به کارگیری دانش حسابداری می شود. در این مقاله اهمیت دانش حسابداری در ساختار عملیات پولشویی و گسترش پول کثیف تشریح می شود. هم چنین نشان می دهد که بر خلاف عقاید بسیاری، روش های پولشویی و کثیف کردن پول، بر اساس رویه ها و فنآوری های تحریف شده حسابداری نیستند؛ بلکه حسابداری دانشی انعطاف پذیر است که با توجه به جهتی که به آن داده می شود هم می تواند اطلاعاتی درست و قابل اتکا ارایه کند و هم در عملیات غیرقانونی و گسترش جرایم مالی از آن استفاده شود. هم چنین توضیحاتی در رابطه با متفاوت بودن عملیات فراهم کردن شرایط پولشویی و عملیات تامین مالی پول کثیف ارایه می شود.

مقدمه

شبکه ثبت دو طرفه، ارکان اساسی برای توسعه نظام سرمایه داری و نگهداری سرمایه در شبکه اقتصادی حاکم، است. به هر حال بسیاری از بازارهای سهام، دچار رسوایی هایی شده اند که این رسوایی ها هم چنان ادامه دارد و منجر به تیره و تار شدن شبکه های اقتصادی و امتناع از پاسخ دادن به سؤالاتی از قبیل ایدئولوژی، دموکراسی و قدرت مرکزی اقتصاد است. ضعف نظام سرمایه داری در قابلیت منحرف شدن تهیه صورت های مالی و حسابرسی آن ها است که حسابداری باعث و بانی آن است. بنابراین با افزایش روزافزون جرایم پیچیده مالی، طبیعی است که قوانین مالی به خطر خواهد افتاد. موقعیت حسابداری به عنوان یکی از ارکان تعیین کننده جرایم مالی، با آزمون هایی برای تعیین میزان شناخت از دانش حسابداری مشخص می شود. دانش حسابداری می تواند به عنوان محرک اصلی جرایم مالی، مورد استفاده قرار گیرد.

حسین فتوحی اردکانی

کارشناس ارشد
حسابداری و مدرس
دانشگاه

مهدی کوپائی حاجی

کارشناس ارشد
حسابداری و مدرس
دانشگاه



اعمال خلاف
به پول های
تمیز تبدیل
شده و در بدنه
اقتصاد تزریق می

شود. این عمل، یک روش
معمول و منطقی برای به دست
آوردن سود از فعالیت های غیرقانونی
برای مجرمان است. خلاف کاران از
طیف وسیع اعمال غیر اخلاقی و غیر
قانونی مانند قاچاق مواد مخدر، تقلبات،
ثروت های قابل مصادره، گروگان گیری،
قمار و همچنین اهدای پول به سازمان های
تروریستی و حتی تقلبات مالی در اینترنت
و یا دیگر ابزار، سودهای کلانی را به دست
می آورند (مجله علمی و پژوهشی مجلس
شورای اسلامی، ۱۳۸۳).

پول کثیف به وجوهی اطلاق می شود که
منجر به تامین مالی تروریست ها برای انجام
عملیات های ناگوار و سهمگین می شود،
بدون توجه به این که منبع اصلی این وجوه
فعالیت های اقتصادی قانونی یا فعالیت های
اقتصادی مجرمانه باشد (مرکز پژوهش های
مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲).

پولشویی به عنوان یک جرم مالی تأثیر
منفی چشمگیری بر رشد و توسعه اقتصادی
کشورها به جای می گذارد. در قطعنامه ای
که در ژوئن سال ۱۹۹۸ در مجمع عمومی
سازمان ملل متحد تصویب شد، تخمین
زده شد که سالانه دست کم ۲ میلیارد دلار
پول تظہیر می شود. از جمله اثرات منفی
پولشویی می توان موارد زیر را نام برد:

- تخریب بازارهای مالی،
- فرار سرمایه به صورت غیر قانونی از کشور،
- کاهش در تقاضای پول و کاهش در نرخ سالانه تولید ناخالص ملی،
- ورشکستگی بخش خصوصی،
- کاهش بهره‌وری در بخش واقعی اقتصاد،
- افزایش ریسک خصوصی سازی،
- تخریب بخش خارجی اقتصاد،
- بی ثباتی در روند نرخ های ارز و بهره،
- توزیع نابرابر درآمد، و

آثار منفی دیگری
می شود که همه آن ها به نحوی
رشد و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر
منفی قرار می دهند (هفته نامه خبری-
تحلیلی اقتصاد و دارایی، ۱۳۸۲).

سفسطه بازان حرفه ای با استفاده از موقعیت حسابداری به عنوان
یکی از ارکان تعیین کننده جرایم مالی، اطلاعات فریبنده ای را با
ظاهری منطقی، قانونی و دارای اعتبار اقتصادی فراهم می کنند.
حسابداری در سطوح تحریف سازمان های تبهکاری، هم چنان نقش
اصلی را بر عهده دارد. این مسئله خود به ۲ رویکرد سلسله مراتبی
(عمودی) و عملکردی (افقی) تقسیم می شود. به نظر رئیس پلیس
فرانسه (میلر) فعالیت های مجرمانه دارای سطوح مختلفی است که
وابسته به قابلیت ها و ظرفیت های تبهکاری است.

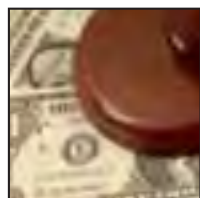
رویکرد سلسله مراتبی نقش حسابداری در جرایم سازمان
فعالیت های مجرمانه مالی بر طبق ۳ سطح یک هرم منطقی می
توانند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. سطح اول مربوط به جرایم
سازمان نیافته (درهم بر هم) می شود. سطح دوم مربوط به جرایمی
است که سازمان یافته و منظم هستند و در نهایت سطح سوم
مربوط به شبکه جرایم سازمان یافته می شود (De Maillard, 1998).

سطح اول: جرایم سازمان نیافته

این نوع از فعالیت های مجرمانه، اشاره به تخلفات و جرایم منفک
و معمولی دارد که نیازی به افراد و همدستان زیادی ندارد، جایگاه
دانش حسابداری در آن بسیار کم اهمیت و ناچیز است، هیچ الزامی
به انباشته شدن سرمایه نیست و مزایای حاصل از این گونه جرایم
فوراً تقسیم می شود.

سطح دوم: جرایم سازمان یافته و منظم

این نوع از فعالیت های مجرمانه اشاره به تخلفات و جرایمی دارد که
توسط گروه های مختلفی انجام می شود و حسابداران و حقوقدانان
ملزم هستند که به عنوان واسطه هایی درآمدهای واحدهای تجاری
آن ها را همانند کلپ های شبانه، هتل ها، قمارخانه ها، باشگاه ها



فعالیت های مجرمانه
ای هم چون کلاه
برداری و سوء
استفاده از وجوه
عمومی، قمار، تقلبات
و عدم کارایی، ایجاد
معیارهای غلط و
تحریف شده و سایر
فعالیت های غیر
قانونی، به دانش
حسابداری نیاز دارند
تا با پوشش دادن
این گونه فعالیت های
غیر قانونی، رنگ و
لعب قانونی به آن ها
بدهند.

دانش حسابداری، در جهت سوء استفاده از وضعیت حاکم، در این گونه فعالیت ها، گام بر می دارد. به هر حال این گونه فعالیت ها از اطلاعات حسابداری سوء استفاده می کنند. سازمانی که در ظاهر فعالیت های قانونی انجام می دهد برای استفاده از خدمات و تسهیلات بانکی و رسیدن به اهداف خود یعنی اطمینان دهی به ذینفعان باید به وسیله حسابداری، واقعیت ها را دستکاری و تحریف کند. حسابداری به عنوان ابزاری برای به حداقل رساندن ریسک فعالیت های مجرمانه استفاده می شود. این دانش می تواند از طریق اصلاح ظاهر فعالیت ها، آن ها را قانونی جلوه دهد.

روابط غیر قانونی و خطر ناک حسابداران با جرایم مالی

پیش شرط مهم و اساسی برای به وجود آوردن مسؤولیت های کیفری، جرایم و قانون شکنی ها است. فعالیت های روزمره حسابداران گویای این مطلب است که آن ها در شرکت ها هم چنان به عنوان مرتکب (تابع) به فعالیت خود ادامه می دهند. آن ها باید از فعالیت ها و عملیات های پولشویی مدیریت شرکت پیروی کنند. حسابداران به عنوان واسطه ای عمل می کنند که برای به حداکثر رساندن سودهای غیر قانونی، عملیات مالی را قانونی جلوه می دهند و با استفاده از روش های حسابداری و با تیره کردن محدوده بین فعالیت های قانونی و غیرقانونی در پی حداقل کردن ریسک و خطرات ناشی از آن هستند (Cutajar, 2004).

دو نکته اساسی که از تجزیه و تحلیل اقتصادی فعالیت های مجرمانه حاصل می شود این است که:

۱- تبهکاران حداکثر سود و مزایا را طلب می کنند.

۲- تبهکاران در پی به حداقل رساندن ریسک و خطرات هستند.

برطبق اقتصاد تبهکاری "بیکر"، نمایندگان تبهکاران که فعالیت های اقتصادی آن ها را به طور منطقی اداره می کنند و گسترش می دهند، باید بسیار باهوش و روشنفکر باشند. آن ها باید مزایا و خطرات فعالیت های مجرمانه و غیرقانونی را با مزایا و خطرات فعالیت های اقتصادی در چارچوب

و بعضی سوپر مارکت های بزرگ در شهرهای استراتژیک مدیریت و اداره کنند.

سطح سوم: شبکه جرایم سازمان یافته

نوعی از فعالیت های اقتصادی و جرایم مالی است که به شکل تحریف پیشنهادات و رانت خواری و رشوه دادن به وقوع می پیوندد. دانش حسابداری به عنوان واسطه ای است که وظیفه اداره و مدیریت کردن سرمایه انباشته شده و بزرگ، که ناشی از فعالیت هایی هم چون عملیات پولشویی است را بر عهده دارد. رئیس پلیس فرانسه هم چنین ۳ سطح پولشویی را بصورت زیر تعریف می کند:

■ پولشویی بصورت اساسی

■ پولشویی بصورت استادانه

■ پولشویی بصورت تحریف و اخاذی

دانش حسابداری نقش کمی را در پولشویی اساسی بر عهده دارد. هدف این نوع پولشویی، مشخص کردن مسیرهای کوتاه تر برای تبدیل و تغییر دادن پول کثیف به پول تمیز است. پولشویی استادانه، شامل سرمایه گذاری پول های ناشی از جرایم مالی در فعالیت های قانونی است. در این سطح، دانش حسابداری و حقوق نقش تعیین کننده دارند. در پولشویی بصورت تحریف و اخاذی سازمان های تبهکاری با حيله و نیرنگ به منظور پولشویی و انباشته کردن سریع پول و وارد کردن آن به محدوده های مالی، در اقتصاد پیش دستی می کنند.

رویکرد عملکردی نقش حسابداری در جرایم سازمان

با تفکیک فعالیت های غیر قانونی که در قالب قانون انجام می شود و فعالیت هایی که متمایل به قانون هستند از سایر فعالیت های غیر قانونی که این ویژگی را ندارند، گونه ای از فعالیت های غیر قانونی به وجود می آید. سطوحی از این گونه فعالیت ها که دانش حسابداری در آن ها دخالت دارد، در زیر شرح داده می شود:

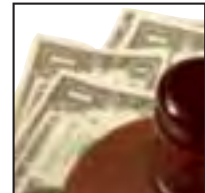
سطح اول: تمامی فعالیت های غیر قانونی

فعالیت هایی هم چون سرقت، قاچاق دارو و مواد مخدر، دزدی و جعل پول ظاهراً به دانش حسابداری نیاز ندارند. اما فعالیت هایی هم چون نقل و انتقال مهاجران برای این که قانونی جلوه کنند، یعنی ظاهر قانونی داشته باشند به دانش حسابداری نیاز دارند. در این گونه فعالیت ها دانش حسابداری به تهیه عواملی ساختگی و موهم می پردازد.

سطح دوم: فعالیت های غیر قانونی که رنگ و لعاب قانونی به خود داده اند.

فعالیت های مجرمانه ای هم چون کلاه برداری و سوء استفاده از وجوه عمومی، قمار، تقلبات و عدم کارایی، ایجاد معیارهای غلط و تحریف شده و سایر فعالیت های غیر قانونی، به دانش حسابداری نیاز دارند تا با پوشش دادن این گونه فعالیت های غیر قانونی، رنگ و لعاب قانونی به آن ها بدهند. در حقیقت این گونه فعالیت ها، حسابداری را به عنوان ابزاری روشی برای کاهش دادن ریسک می شناسند.

سطح سوم: فعالیت های قانونی که بصورت غیر قانونی انجام می شوند.



حسابداری به عنوان زبان تجارت، برای این که بتواند اطمینان معقولی در مورد صحت اطلاعات بدهد نباید قصور و جرایمی داشته باشد، تا بدین طریق گزارش های ارائه شده به وسیله آن قابل اعتماد باشد.

قوانین، مقایسه کنند و بهترین نوع فعالیت را انتخاب کنند (فعالیت قانونی یا غیر قانونی).

نقش اساسی بر عهده دارد در حالی که در عملیات کثیف کردن پول نقش کم‌تری را بر عهده دارد.

نتیجه گیری

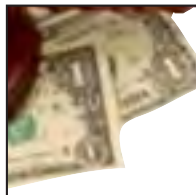
این مقاله درصدد نفی ارتباط حسابداری با جرایم پولشویی و کثیف کردن پول نیست، بلکه به دنبال نشان دادن بی‌طرفی دانش حسابداری است. دانش حسابداری، دانشی است انعطاف پذیر که با توجه به جهتی که به آن داده می‌شود، هم می‌تواند اطلاعات درست و منصفانه ارائه کند و هم می‌تواند در فعالیت‌های تبهکاری و غیرقانونی مورد استفاده قرار گیرد؛ که در قالب دو رویکرد سلسله مراتبی و عملکردی نقش حسابداری در جرایم سازمان تشریح شد. هم‌چنین باید دانست که دو جرم مالی یعنی پولشویی و کثیف کردن پول با هم متفاوت هستند. اصولاً منبع تامین مالی یکی، قانونی (پول کثیف) و منبع تامین مالی دیگری (پولشویی) غیر قانونی است. در نهایت این که این گونه جرایم مالی ناشی از یک اقتصاد بی‌نظم است؛ در حالی که اگر اقتصاد دارای نظم خاصی باشد و قوانینی برای پیش‌گیری از این جرایم مالی اتخاذ شود، به ندرت شاهد این موارد خواهیم بود و دانش حسابداری نیز می‌تواند به رسالت اصلی خود که همانا ارائه گزارش منصفانه و قابل اطمینان برای ذینفعان است، بپردازد.

آیا کثیف کردن پول تصویر حسابداری را تیره می‌کند؟

عملیات پولشویی و کثیف کردن پول، نه تنها هیچ نقطه مشترکی با هم ندارند، بلکه عملیات کثیف کردن پول معکوس عملیات پولشویی است. عملیات پولشویی هم در میزان مهارت و تحریف مورد نیاز و هم از لحاظ سودهای تبهکاری با عملیات کثیف کردن پول متفاوت است. فعالیت‌های پولشویی هم‌چنان در حال رشد هستند و ادامه دارند. این جرایم نتیجه مستقیم یک اقتصاد بی‌نظم است. عدم وجود امنیت اقتصادی و قانونی است که زمینه انجام این دو جرم را فراهم می‌کند. در حالی که اگر اقتصاد دارای نظم خاصی بود و قوانین پیش‌گیری کننده‌ای نیز وجود داشت، این نوع جرایم مالی به ندرت اتفاق می‌افتاد. این نوع اقتصاد منبع بالقوه‌ای است برای این که حسابداران ماهر و فریب‌کار و سفسطه باز به اهداف شوم خود دست یابند. به طور خلاصه، هدف از این نوع جرایم مالی ربودن ثروت جامعه به نفع شبکه‌های تبهکاری است. هم‌چنین انگیزه اصلی پولشویی تبدیل پول و سرمایه حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی به پول تمیز است در صورتی که در عملیات کثیف کردن پول این هدف مطرح نیست، بلکه در عملیات کثیف کردن پول هدف، ارتکاب جرم وجنایت است (Chesney, 2002). چسنی، مؤسس و رئیس سابق مرکز تحقیق در مورد پولشویی در پاریس اظهار کرده است که حداقل به دو دلیل نمی‌توان از روش‌های مشابه برای مبارزه با جرم پولشویی و کثیف کردن پول استفاده کرد. دلیل اول، تعیین و شناسایی اصول در عملیات کثیف کردن پول نسبت به عملیات پولشویی است. از آنجا که وجوه مربوط به آن قانونی هستند، راحت‌تر است. دومین دلیل، تأمین مالی عملیات‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر به طور آشکار به ابزاری که به مقادیر کوچک‌تری تجزیه شده بود، نیاز داشت. بنابراین کشف این‌گونه فعالیت‌ها سخت‌تر است. هم‌چنین حسابداری در تنظیم جرایم سازماندهی شده شبکه‌ای

منابع و مأخذ:

- ۱- طرح مطالعاتی مبارزه با پولشویی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تیرماه ۱۳۸۲
- ۲- مجله علمی - پژوهشی مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۷، سال دهم، بهار ۱۳۸۳
- ۳- هفته نامه خبری - تحلیلی اقتصاد و دارایی، مرداد ماه ۱۳۸۲
- 4- Chesney M. March es financiers, blanchiment et financement du terrorisme. In: Criminalité financière. Paris: Editions d'organisation; 2002.
- 5- Cutajar Chantal. Blanchiment de profits illicites. In: Th'emexpress. Paris: Editions Francis LEFEBVRE; 2004. p.27-8.
- 6- De Brie C. Dans l'archipel plan étaire de la criminalité financière. Etats, mafias et transnationales comme larrons en foire, Le Monde diplomatique; April 2000.
- 7- De Maillard J. Un monde sans loi, La criminalité financière en image. Paris: Stock; 1998.
- 8- Frederic Compin, The role of accounting in money laundering and money dirtying Critical Perspectives on Accounting, 2007.
- 9- Mitchell A, Sikka P, Willmott H. The Accountants' Laundromat. Basildon: Association for Accountancy & Business Affairs; 1998.
- 10- Sikka P, Willmott H. Accounting for the public interest: money, arms and tax. American Accounting Association: Public Interest 1998;26(2):8.



پول کثیف به وجوهی
اطلاق می‌شود که
منجر به تامین مالی
تروریست‌ها برای
انجام عملیات‌های
ناگوار و سهمگین می
شود، بدون توجه به
این که منبع اصلی
این وجوه فعالیت‌های
اقتصادی قانونی یا
فعالیت‌های اقتصادی
مجرمانه باشد.